

## An Analysis of Iran's Gas Export to Oman from the Perspective of Convergence Theory

Fatemeh Shayan \*

Assistant Professor, International Relations,  
University of Isfahan, Isfahan, Iran

Mohammad Ali Basiri 

Associate Professor, International Relations,  
University of Isfahan, Isfahan, Iran

### Abstract

In the years after the relative domestic stability following the Islamic Revolution of Iran, regional and international issues became the most important concerns of the Iranian politicians. The Iran hostage crisis and the ensuing break in Iran-US relations as well as the Iraqi-imposed war on Iran during the early years of the formation of the Islamic Revolution practically led to a crisis in Iran's relations with the Western, Eastern, and Arab countries in the Persian Gulf.

Later on, some analysts of Iran's foreign policy pointed to the ideological nature of Iran's foreign policy, the idealist viewpoint of Iran's revolutionary leaders, and the attempt to export the Revolution to other countries. The foreign policy of Iran was based on the preference for nations over states in international relations, the emphasis on the political independence in planning and policymaking, on the preference for beliefs over economic and commercial interests in bilateral and multilateral relations, and the importance attached to political justice in the relations between states in international relations.

Highlighting the convergence in intra- and extraregional cooperation, recent changes in Iran's foreign policy have led to the current emphasis on convergence of issues such as expansion of bilateral and multilateral relations, cooperation and good-neighborliness with neighbors (esp. in the Persian Gulf region), and reduction of disputes. This new approach to foreign policy subscribes to the view that Iran has strategic depth due to its geographical and historical location, hence capable of attaining strategic-cum-global significance. For this purpose, it is necessary for Iran to resolve

Corresponding Author: f.shayan@ase.ui.ac.ir

**How to Cite:** Shayan, F., Basiri, M. A. (2023), "An Analysis of Iran's Gas Export to Oman from the Perspective of Convergence Theory", *Political Strategic Studies*, 12(44), 165-196. doi: 10.22054/QPSS.2022.69076.3080

its problems and differences with its neighbors, establish friendly relationships based on good-neighborliness, and prepare the grounds for the convergence of countries by exporting strategic goods, for example, gas export to Oman. Iran–Oman relations in the field of energy can move to a transregional level, leading to the greater convergence and cooperation in the Persian Gulf region and even in the countries such as India and China.

This article aims to evaluate one of the most important developments in Iran's foreign policy in the last decade, that is, the focus on the surrounding regions, including the Persian Gulf, and the look to the East and Asian countries (e.g., India and China) for the purpose of reducing the disputes with neighbors and seeking extensive cooperation with the East concerning the export of natural gas. The main question is, how can Iran's export of gas to Oman contribute to the expansion of convergence in Iran–Oman relations? The research hypothesis predicts that the expansion of communications (e.g., the export of strategic goods, such as gas, to Oman) will prepare the ground for enhancing the convergence between the two countries in other fields. The research used Peter McLaughlin's functional explanation as the method and convergence theory as well as Karl Deutsch's communications theory as the conceptual frameworks.

Considering the economic power and energy in the Persian Gulf region, the analysis indicates that Iran is able to be one of the important sources of income and set gas transit in the region, hence the transit hub of the Persian Gulf. Iran's gas export to Oman faces challenges and advantages. Regarding the challenges, the enormous investment is required for transporting gas through pipelines over a long distance, which stresses the need to guarantee the gas consumption market and access to a large volume of gas reserves. The dispute between Oman and the UAE over determining the route of the gas pipeline constitutes an important challenge for Iran's export of gas to Oman. Another challenge is the sanctions through which the US and the Western countries, unable to dominate the energy and resources of Iran after the victory of the Islamic Revolution, tried to oppose Iran. The US has prevented Iran from reaching its desired goals. Despite the challenges, Iran's gas export to Oman has advantages. For example, the construction of the gas pipeline is beneficial given the fact that Iran is supposed to export 30 million cubic meters gas to Oman and increase this figure to 70 million. This long-term contract enables Iran to achieve between 20 to 30 million dollars of gas revenue.


The findings show that the increase in communications (e.g., the export of strategic goods, such as gas) between the two countries can prepare the ground for increasing exchanges of other goods and services. Exporting gas to Oman is considered as the reason for meeting the country's energy needs,


energy security, and even as the basis for the expansion of the gas pipeline from Oman to India and China—which is the most effective factor for the implementation of Iran's active foreign policy based on convergence between the countries of the Persian Gulf.

**Keywords:** Convergence, Communications Theory, The Persian Gulf, Iran, Oman, Natural Gas Export



## تحلیل جایگاه صادرات گاز ج.ا.ایران به عمان از منظر همگرایی

فاطمه شایان \*  استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

محمدعلی بصیری  دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

### چکیده

از مهمترین تحولات سیاست خارجی ج.ا.ایران در دهه گذشته بر خلاف دهه‌های قبل، توجه به مناطق پیرامونی از جمله خلیج فارس و نگاه به شرق و توجه به کشورهای آسیایی مانند هند و پاکستان در قالب کاهش اختلافات با همسایگان و همکاری گسترده با شرق است. پرسش اصلی این است که چگونه صادرات گاز ج.ا.ایران به عمان می‌تواند عاملی در گسترش همگرایی در روابط دو کشور باشد؟ فرضیه پژوهش این است که گسترش ارتباطات مختلف از جمله کالایی استراتژیک مانند صادرات گاز ایران به عمان می‌تواند بسترساز ارتقای همگرایی دو کشور در حوزه‌های دیگر روابط دو کشور گردد. این پژوهش از روش تحقیق بررسی دلایل کارکردی از پیتیر مک لافلین و چارچوب مفهومی همگرایی و نظریه ارتباطات کارل دوپیچ بهره می‌برد. یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش ارتباطات از کالاهای استراتژیک مانند صادرات گاز بین دو کشور می‌تواند بسترساز افزایش مبادلات کالا و خدمات گردد. صادرات گاز به عمان سبب تامین نیازهای انرژی این کشور، امنیت انرژی و حتی زمینه‌ساز گسترش خط لوله گاز از عمان به هند و چین، مهمترین عامل موثر در بکارگیری سیاست خارجی همگرا و فعال ج.ا.ایران در کشورهای حوزه خلیج فارس می‌باشد.

واژگان کلیدی: همگرایی، نظریه ارتباطات کارل دوپیچ، ج.ا.ایران، عمان، صادرات گاز.

## مقدمه

در سال‌های پس از تثبیت نسبی اوضاع داخلی ج.ا.ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مهمترین دغدغه سیاستمداران ج.ا.ایران مسائلی بودند که از ماهیت منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار بودند. بحران گروگانگیری و قطع رابطه ج.ا.ایران با امریکا، شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ج.ا.ایران در سال‌های اولیه شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، عملاً روابط ج.ا.ایران با کشورهای غربی، شرقی و عربی را در یک وضعیت بحرانی قرار داد. برخی تحلیلگران سیاست خارجی ج.ا.ایران در سال‌های بعد به ماهیت ایدئولوژیک سیاست خارجی ج.ا.ایران، آرمانگرایی رهبران انقلابی ج.ا.ایران و تلاش برای صدور انقلاب به دیگر کشورها اشاره می‌کنند (Vaezi, Janati & Karbasiyan, 2013: 255-277). سیاست خارجی ج.ا.ایران بر پایه ترجیح دادن ملت‌ها به دولت‌ها در روابط بین‌الملل، تاکید و اجرای همه‌جانبه استقلال سیاسی در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری، ترجیح دادن اعتقادات بر منافع اقتصادی و تجاری در روابط دو و چندجانبه و اهمیت دادن به عدالت سیاسی در روابط بین دولت‌ها شکل گرفته بود (Sariolghalam, 2011: 27).

با تغییراتی در سیاست خارجی ج.ا.ایران و تاکید بر همگرایی تحولاتی مانند تنش‌زدایی، گسترش ارتباطات و همکاری دو و چندجانبه، همکاری و حسن همجواری با همسایگان بویژه در منطقه خلیج فارس<sup>۱</sup> و کاهش اختلافات در حال انجام است. همگرایی همکاری درون و برون منطقه‌ای است. در این سیاست خارجی جدید، سیاستمداران ج.ا.ایران معتقدند ج.ا.ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خود دارای عمق راهبردی است و می‌تواند برای خود اهمیت راهبردی-جهانی بدست آورد. به همین منظور لازم است ج.ا.ایران مشکلات و اختلافات خود را با همسایگان برطرف و روابط دوستانه بر مبنای حسن همجواری برقرار کند و با صادرات کالاهای استراتژیک مانند گاز به عمان می‌تواند بسترساز ارتقای همگرایی دو کشور و حتی در حوزه‌های فرامنطقه‌ای هم گردد تا به همگرایی و همکاری بیشتر در منطقه خلیج فارس و حتی در کشورهای هند و چین هم

۱. در مورد مسائل خلیج فارس ببینید: (Shayan, 2017: 20-32).

ادامه دهد (Karimifard, 2018: 207-220).

پیش‌شرط همگرایی و همگرایی منطقه‌ای، برقراری ارتباطات مناسب با کشورهای درون و برون مناطق و ایجاد همکاری‌های اقتصادی است. پژوهش‌های اخیر نشان دهنده اهمیت هر چه بیشتر منطقه خلیج فارس و اهمیت گاز طبیعی است. از این منظر ج.ا.ایران با توجه به ملاحظات مربوط به انرژی و ذخایر گازی غنی و موقعیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک دارای نقش متمایزی است. بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش، شناسایی و تحلیل نقش سیاست خارجی همگرا و فعال ج.ا.ایران و نقش صادرات انرژی به کشور عمان (و حتی کشورهای شرق آسیا) می‌باشد. موضوع این پژوهش، دارای اهمیت کلیدی برای ج.ا.ایران است چون این کشور با ویژگی‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک می‌تواند نقش مهمی در بازار انرژی عمان و توسعه خط لوله گازی پیشنهادی به هند و چین ایفا نماید و در خلیج فارس به یک هاب گازی تبدیل شود. هدف اصلی این پژوهش، کمک به ارتقای همگرایی بین ج.ا.ایران و عمان با توجه به نقش درآمدزایی صادرات گاز و افزایش تقاضای کشورهای دیگر به گاز ج.ا.ایران، مسئله صادرات و دیپلماسی در سیاست خارجی اخیر ایران است.

پرسشی این است که چگونه صادرات گاز ج.ا.ایران به عمان می‌تواند عاملی در گسترش همگرایی در روابط دو کشور باشد؟ فرضیه این است که گسترش ارتباطات مختلف از جمله کالاهای استراتژیک مانند صادرات گاز ایران به عمان می‌تواند بسترساز ارتقای همگرایی دو کشور و توسعه روابط با دیگر کشورها گردد. صادرات گاز به عمان سبب تامین نیازهای انرژی این کشور، امنیت انرژی و گسترش خط لوله‌ها از عمان به هند و چین؛ مهمترین عامل موثر در بکارگیری سیاست خارجی فعال و همگرای ج.ا.ایران در خلیج فارس<sup>۱</sup> و عمان می‌باشد. این پژوهش از روش تحقیق بررسی دلایل کارکردی از پیتر مک لافلین و چارچوب مفهومی همگرایی و نظریه ارتباطات کارل دوویج<sup>۲</sup> بهره می‌برد تا

۱. در مورد مسائل خلیج فارس ببینید: (Shayan, 2017: 34-42).

الگویی جامع برای تحلیل داده‌ها فراهم سازد. دوره زمانی مورد تحلیل در این مقاله به سال‌های پس از تثبیت نسبی اوضاع داخلی ج.ا.ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با تأکید بر دو دهه اخیر و تغییر در سیاست خارجی ایران برای در پیش گرفتن سیاست همگرا و ارتباط بیشتر با کشورهای درون و برون مناطق و ایجاد همکاری‌های اقتصادی بر می‌گردد. در این زمینه اگرچه ایران ارتباطات مثبتی با عمان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی داشته است و در پیشینه مقاله بدان اشاره می‌شود اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بطور اخص در دو دهه اخیر ارتباطات ایران برای صادرات گاز و همکاری‌های اقتصادی با عمان توسعه بیشتری پیدا کرده است که تمرکز اصلی مقاله روی این دوره زمانی است. در این پژوهش ابتدا پیشینه تحقیق مبتنی بر ارتباطات ایران و عمان قبل و بعد از انقلاب اسلامی بررسی می‌شود که همگرایی و ارتباطات دو کشور در قالب سیاسی و اجتماعی و روابط حسنه با همسایگان بوده است. سپس چارچوب مفهومی همگرایی و نظریه ارتباطات کارل دویچ<sup>۱</sup> و روش تحقیق بررسی دلایل کارکردی از پیتر مک لافلین<sup>۲</sup> بحث می‌شود. در تحلیل‌ها به گسترش همگرایی و ارتباطات ایران و عمان، نقش گاز و انرژی در سیاست خارجی ج.ا.ایران در خلیج فارس، نقش انرژی و گاز در سیاست خارجی ج.ا.ایران نسبت به کشور عمان و توسعه خط لوله گازی ایران-عمان-هند مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

### پیشینه تحقیق

در مورد همگرایی در سیاست خارجی ج.ا.ایران و ارتباطات ایران و عمان بر اساس صادرات گاز در خلیج فارس و توسعه خط لوله گازی پیشنهادی به هند و چین تحقیقات خاصی صورت نگرفته است. اما در مورد ارتباطات سیاسی و اجتماعی دو کشور قبل و بعد از انقلاب اسلامی بر پایه حسن همجواری تحلیل‌ها و دیدگاه‌های متعددی صورت گرفته است که با توجه به رویکرد این پژوهش که بر اساس چارچوب مفهومی همگرایی و نظریه ارتباطات کارل دویچ است، می‌توان آنها را به دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم

کرد:

در مورد ارتباطات ایران با عمان در دوران پهلوی، پادشاهی عمان در معرض تهدید جدی قرار داشت و ایران کمک‌های زیادی را برای برقراری امنیت در این پادشاهی انجام داد و توانست این کشور را از سقوط نجات دهد. با خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس، شورشیان ظفار که از طرف کشورهای خارجی حمایت می‌شدند دست به حملاتی علیه عمان زدند. در اسفند ۱۳۵۰، یک هیئت عمانی به ایران آمد و تقاضای کمک کرد. ارتش ایران در سال ۱۳۵۳، ظفاری‌ها را پراکنده کرد و در مهرماه ۱۳۵۴، حمله ظفاری‌ها را نابود کرد (Albasoos et al., 2019: 8-10) و این خود عاملی برای گسترش ارتباطات دو کشور گردید.

هنگامی که انقلاب اسلامی ج.ا.ایران به پیروزی رسید، رهبران ج.ا.ایران خواستار امنیتی در خلیج فارس بوده‌اند که بدست کشورهای ساحلی و با همکاری آنها ایجاد شود اما کشورهای عربی خواهان همکاری با کشورهای غربی برای تامین امنیت خلیج فارس بوده‌اند. از سال ۱۳۵۷ واژه ایدئولوژی و تفسیر امام خمینی از اسلام بعنوان اسلام راستین و انقلابی یاد می‌شود (Soltani & Amiri, 2010: 205). این برداشت نقش اساسی در شکل دادن به دیدگاه‌های نظام در مورد امنیت، دوستان و دشمنان ج.ا.ایران داشته است.<sup>۱</sup> بعلاوه ج.ا.ایران کشوری اسلامی است که رسالت رهبری مستضعفین را نیز بر عهده دارد و در خلیج فارس هم این استکبارستیزی را به شکل مخالفت با غرب و امریکا نشان داده است. همچنین ایران مخالف هرگونه همکاری غرب در زمینه امنیت خلیج فارس است، چون منافع ج.ا.ایران تحت الشعاع منافع امریکا و کشورهای غربی قرار خواهد گرفت. ترکیبی از عوامل تاریخی، استراتژیک، جغرافیایی، اقتصادی و علمی؛ رهبران ج.ا.ایران را معتقد ساخته است که هر ترتیبات امنیتی که دیدگاه‌ها و منافع ج.ا.ایران را در نظر نگیرد، موفق نخواهد بود و این دیدگاه در سیاست خارجی هم تاثیر گذاشته است (Taremi, 2005: 99).

۱. بعنوان مثال در مورد اختلافات امارات با ایران ببینید: (Shayan, 2013a: 633-661).



در زمینه سیاست خارجی نظر کشورهای غربی این است که ج.ا.ایران یک بازیگر چالشی در منطقه خلیج فارس است که متحدان خود را تقویت و با در اختیار گذاشتن سلاح و مهمات به کشورهای دیگر، اعمال خشونت آمیز بیشتری را در منطقه انجام می‌دهد تا آمریکا و متحدانش را تحت فشار قرار داده و حتی یک کریدور زمینی از ج.ا.ایران تا لبنان ایجاد کند. ایران سعی کرده هرچه بیشتر در عراق و در بین رهبران عراقی نفوذ پیدا کند تا آنها را وادار به خروج آمریکا از عراق کند (Katzman, 2021: 48-49).

در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، تحولاتی در جنگ عراق با ایران رخ داد که سبب متعادل شدن سیاست خارجی ایران بعد از جنگ شد. ج.ا.ایران کم‌کم موضع تجدیدنظرطلبانه خود را رها کرد و تلاش کرد که قدرتی را بدست آورد. قدرت‌های بزرگ و کشورهای حوزه خلیج فارس با همکاری آمریکا سعی بر منزوی کردن ج.ا.ایران داشتند (Hinote, 2022: 26). روابط ج.ا.ایران با عراق همچنان متشنج بود و ج.ا.ایران با نیمی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس روابط دیپلماتیک نداشت (Gilpin, 2016: 87-90). اما با کاهش درآمدهای نفتی و خرابی‌های ناشی از جنگ لازم بود ج.ا.ایران از حمایت کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بهره‌بردارد. در این دوره، سیاست خارجی ج.ا.ایران در خلیج فارس حرکت به سوی سیاست پراگماتیک و بهبود رابطه با همسایگان بود. استراتژی اولیه ج.ا.ایران در این زمان برطرف کردن بدگمانی‌هایی که در طول چند دهه ایجاد شده بود می‌باشد. با ایجاد رابطه دوستی و ایجاد اعتماد؛ کمال خرازی، وزیر امور خارجه سابق ج.ا.ایران، در سال ۱۹۹۷ به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس سفر کرد (Baker Institute Study, 1998: 2-3). از این زمان، سیاست خارجی حرکت به سوی اعتدال با کشورهای حوزه خلیج فارس در مجرای جدیدی قرار گرفت و جنگ تبلیغاتی ج.ا.ایران علیه این کشورها فروکش کرد. روابط سیاسی با عربستان و کویت که قبلاً قطع شده بود، از سر گرفته شد. تعداد زوار ج.ا.ایرانی در مراسم حج افزایش یافت که نتیجه دیپلماسی ج.ا.ایران با عربستان بود و ج.ا.ایران اشغال کویت توسط عراق را محکوم کرد (Afrasiabi, 1994: 36-40).

در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی، ضرورت اعتمادسازی هرچه بیشتر تاکید شد و دولت ج.ا.ایران بطور منظم به مشورت در امور منطقه با کشورهای حوزه خلیج فارس پرداخت اما علی‌رغم یک دهه تلاش، موفقیتی در زمینه همکاری گسترده و رژیم امنیتی جدید در خلیج فارس صورت نگرفت و هنوز کشورهای حوزه خلیج فارس، امریکا را دوست و متحد خود می‌دانند که حضورش در منطقه ضروری است (Guttieri, 2022: 95). با این حال توجه به موقعیت و پتانسیل‌های ژئوپلیتیک ج.ا.ایران که پس از کنار نهادن رویکرد صرفاً ایدئولوژیک و رادیکالی در صحنه مناسبات ج.ا.ایران ظاهر شده بود، با توجهات فرهنگی و بهره‌جویی از مزایای دیگرهم همراه شد (Modirshanechi, 2015: 45).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، این روابط گسترش بیشتری یافت و یک حلقه ارتباطی بین ایران و کشورهای منطقه و جهان ایجاد کرد. مرگ سلطان قابوس، خلاء موقتی در پادشاهی عمان ایجاد کرد اما سلطان هشتم در کنار پسر عموی خود، سلطان قابوس، سعی کرده است روابط مناسب با ایران را ادامه دهد (Hassan, Al Rabaani & Nejjar, 2022: 120-130).

روابط تجاری ایران با عمان در سال‌های اخیر روندی افزایشی داشته است. اما عدم وجود نقشه راه و برنامه‌ریزی جهت سرمایه‌گذاری مشترک باعث شده سیر تبادلات دو کشور فاقد سیر منطقی باشد. مهم‌ترین اسناد امضا شده بین دو کشور در حوزه تجارت و اقتصاد شامل موافقتنامه تجارت دریایی، موافقتنامه بازرگانی بین دو کشور، یادداشت تفاهم‌نامه همکاری گردشگری و ترانزیت می‌باشد. تشکیل شورای بازرگانان ایران و عمان، افتتاح دفتر همکاری‌های اقتصادی عمان در بندرعباس، حضور شرکت‌های ایرانی در مناقصات عمان و برگزاری نمایشگاه‌ها از مهمترین اقدامات بعمل آمده در چارچوب روابط دو جانبه اقتصادی می‌باشد (Mokhtari & Adami, 2014: 232).

ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ایران و عمان جهت اجرای طرح‌های مشترک اقتصادی در صنعت نفت و پتروشیمی قابل اهمیت است اما طرح‌هایی مانند سرمایه‌گذاری مشترک برای

توسعه میدان گازی کیش، بهره‌برداری از حوزه‌های مشترک گازی و سرمایه‌گذاری در صنایع پتروشیمی به دلیل عدم توافق در مورد قیمت گاز عملی نشد. با این حال تعدادی از پیمانکاران ایران در عمان احداث نیروگاه ۳۰ مگاواتی توسط شرکت مینا، پروژه احداث نیروگاه ۵۰ مگاواتی در مسقط را به مرحله اجرا درآورده‌اند (Karami & Doostmohammadi, 2015: 161).

از سال ۱۳۸۴ تاکنون زمینه‌هایی برای بازیابی جایگاه و نقش تاریخی ج.ا.ایران در خلیج فارس و بهره‌گرفتن از پتانسیل‌ها (Rogers, 2017: 1-4) فراهم شد که در مسیر همگرایی و همکاری با کشورهای حوزه خلیج فارس<sup>۱</sup> در زمینه‌های مختلف بویژه صادرات نفت و گاز که بحث اصلی این پژوهش است، فراهم شد و در قالب سیاست خارجی همگرا و گسترش ارتباطات بین ایران و عمان بحث و بررسی می‌شود.

چنانچه ملاحظه می‌گردد پژوهش‌های پیشین به رابطه ایران و عمان و سیاست خارجی ج.ا.ایران در خلیج فارس به صورت پراکنده پرداخته‌اند. عمدتاً بیشتر مباحث مطالعات قبلی به سیاست خارجی ج.ا.ایران از جنبه‌های سیاسی و اجتماعی می‌پردازد و از منظر همگرایی به عنوان چارچوبی مفهومی و نظریه ارتباطات کارل دوپیچ بعنوان چارچوب نظری برای تحلیل سیاست خارجی فعال و همگرایی ایران در خلیج فارس و صادرات انرژی بویژه گاز طبیعی ج.ا.ایران به عمان، هند و چین بحث چندانی نشده است که این موارد نوآوری این پژوهش قلمداد می‌شود.

### چارچوب مفهومی همگرایی و رویکرد نظری ارتباطات کارل دوپیچ

در این پژوهش از چارچوب مفهومی همگرایی و نظریه ارتباطات کارل دوپیچ برای بررسی سیاست خارجی ج.ا.ایران در خلیج فارس و صادرات گاز به عمان بهره گرفته می‌شود. همگرایی از لحاظ لغوی به معنای تشکیل یک کل به وسیله اجزا است. همچنین همگرایی به لحاظ مفهومی یعنی نزدیک شدن افراد به سمت یک نقطه معین که بعنوان هدف

۱. در مورد مسائل مربوط به تروریسم، توسعه گردشگری، مشترکات دینی و مبارزه با افراط‌گرایی، بعنوان نمونه ببینید:

مشترک آنها شناخته می‌شود و واگرایی در مقابل آن قرار می‌گیرد و به معنای جدایی از یکدیگر و دور شدن آنها از اهداف مشترک و حرکت به سمت هدفی خاص است. بطور کلی همگرایی تبیین رفتار دولت‌ها و روابطشان بر اساس فرضیه همکاری است (Koolae & Ramezani, 2009: 70-75).

مفهوم همگرایی عمدتاً از سال ۱۹۵۴ در چارچوب منطقه‌گرایی در اروپای غربی مطرح شد. اندیشمندانی مانند لوئیس کانتوری و استیون اشیپگل<sup>۱</sup>، دیوید میترانی<sup>۲</sup>، ارنست هاس<sup>۳</sup> و کارل دویچ با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناختی کارکردگرایی، قدم‌های خاصی در زمینه مطالعه همگرایی در سیاست بین‌الملل برداشتند که در دو دهه بعد زمینه را برای بررسی وابستگی متقابل فراهم ساخت (Ghavam, 2005: 54).

یکی از نظریاتی که تحت عنوان نظریات همگرایی بررسی می‌شود، نظریه ارتباطات کارل دویچ است (Hafeznia, Kamali, Rabiee & Fatemi Nasab, 2021: 19-25) که در ردیف نظریه‌های نوکارکردگرایی همگرایی قرار می‌گیرد. دویچ بدون آنکه نظریه همگرایی خود را به سطح منطقه‌ای محدود کند، همگرایی را روندی می‌داند که بر اساس آن واحدهای مختلف برای دستیابی به صلح با همدیگر تعامل می‌کنند. دویچ چهار هدف را در قالب همگرایی دنبال می‌کند: ۱- حفظ صلح، ۲- دستیابی به ظرفیت‌های چند منظوره وسیعتر، ۳- دستیابی به برخی وظایف خاص و ۴- بدست آوردن هویت و تصویری نو از خود. علاوه بر این موارد، کارل دویچ بیان می‌کند پیش شرط‌ها و علل اولیه‌ای هم برای شکل‌گیری همگرایی لازم است. از نظر دویچ شروط لازم برای همگرایی عبارتند از: ارتباط متقابل، سازگاری عملی ارزشها و پاداش‌های مشترک و نوعی هویت و یا وفاداری مشترک (Seifzadeh, 2010: 311).

---

1. Louis J. Cantori, Steven L. Spiegel

2. David Mitrani

3. Ernst Hass

کارل دویچ با بهره‌گیری از مباحث فوق، همگرایی را بصورت ادغام شده و متکثر تقسیم می‌کند که تحقق آنها نیازمند پیش‌شرط‌هایی هم می‌باشد. بعنوان نمونه در مورد ایجاد همگرایی ادغام شده، وجود سازگاری متقابل ارزش‌های عمده رفتار سیاسی، قابلیت پیش‌بینی متقابل رفتاری و رشد اقتصادی برتر حداقل برخی از اعضا در برابر واحدهای غیر عضو را ضروری می‌داند. با بیان این شرط‌ها دویچ معتقد است که فضای مناسب و لازم در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی برای شکل‌گیری یک همگرایی ادغام شده، ایجاد می‌گردد. دویچ مانند هاس معتقد به عزم و اراده سیاسی در محقق شدن همگرایی است و تاکید می‌کند که عزم و اراده غالب بخش‌های حیاتی و جهت‌دار سیاسی در تحقق همگرایی نقش مهمی دارد. این بخش‌ها باید اراده خود را در جهت حمایت از همگرایی بصورت‌های پذیرش و تأیید نهادهای حکومتی مشترک، گسترش وفاداری‌های عمومی به این نهادها و رضایت خاطر همه اجزای شرکت کننده از عملکرد این نهادهای مشترک اعلام کنند (Deutsch et al., 1957: 1-5). بدین ترتیب تعامل فرامرزی دولت‌ها مسئله‌ای حیاتی در راستای همکاری‌های منطقه‌ای است.

بطور کلی همگرایی و همکاری‌های کشورها در یک یا چند منطقه نشان دهنده این است که کشورهای منطقه دور هم جمع می‌شوند و تصمیماتی هماهنگ می‌گیرند و برای مقابله و رفع چالش‌های موجود در منطقه تلاش می‌کنند. در این فرایند، دولت در چهار مرحله نقشی کلیدی دارد. **اول**، رابطه فعلی دولت‌ها توصیف کننده امکان همگرایی و همکاری‌های بین آنها و در منطقه می‌باشد. در بیشتر اوقات، پیش‌شرط‌های ویژه‌ای برای تسهیل همگرایی منطقه‌ای باید ایجاد شود. کشورهای موجود در یک منطقه باید به حفظ ارتباطات دوستانه و ایجاد حسن همجواری و ایجاد اعتماد بین یکدیگر پردازند. بدین منظور کشورهای یک منطقه باید به پرورش همگرایی و ارتباطات منطقه‌ای پردازند. **دوم**، همگرایی‌های موفق به علاقه

دولت‌ها جهت همکاری بستگی دارد و روابط دوستانه و متعادل بین دولت‌ها به ایجاد محیط مناسب برای همگرایی و همکاری منطقه‌ای می‌پردازد (Acharya & Johnston, 2007: 78-79).

در این مقاله، نظریه ارتباطات کارل دویچ بدین شکل در تحلیل‌ها بکار گرفته می‌شود که حسن همجواری، عاملی برای ارتباطات بیشتر و همگرایی است و از آنجا که در مجموعه کشورهای جنوب خلیج فارس، عمان تنها دولتی است که قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قابل توجه نسبت به دیگر کشورهای این حوزه داشته است، مسئله صادرات گاز ایران به این کشور در چارچوب مفهومی همگرایی و نظریه ارتباطات بیشتر قابل تحلیل است. بنابراین بر اساس نظریه ارتباطات کارل دویچ، بین دو یا چند کشور؛ هر چه ارتباطات مختلف مانند حسن همجواری، جابجایی کالا، خدمات و غیره بیشتر باشد این عاملی برای گسترش همگرایی آنها خواهد شد. در اینجا حسن همجواری و صادرات گاز و دریافت پول آن بین دو کشور بعنوان یک شاخص حیاتی کالا (یعنی انرژی) می‌تواند مورد بحث قرار داده شود. گسترش ارتباطات مختلف از طریق حسن همجواری و صادرات کالاهای استراتژیک مانند گاز ایران به عمان حتی می‌تواند بسترساز ارتقای همگرایی دو کشور در حوزه‌های دیگر روابط دو کشور مانند صادرات گاز به هند، پاکستان و چین هم گردد. همچنین امریکا در چهار دهه گذشته تلاش کرده از موقعیت برتر ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچر ایران، امنیت‌زدایی و ژئوپلیتیک‌زدایی کرده و تمام طرح‌های انتقال لوله گاز و نفت را به همسایگان متوقف کند یا به چالش بکشد. این طرح انتقال گاز به عمان می‌تواند یک گام عملی برای خنثی‌سازی محاصره و تحریم اقتصادی ایران و ژئوپلیتیک‌زدایی باشد.

### روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی می‌باشد و برای بررسی پرسش‌های مطرح شده از روش تحقیق بررسی دلایل کارکردی پیتر مک لافلین استفاده می‌شود که در آن به کشف علت یا علل یک رویداد می‌پردازد و ابتدا مک لافلین به بررسی عوامل تاریخی

یک موضوع می‌پردازد و سپس علل احتمال وقوع یک رویداد را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (McLaughlin, 2002: 198). در این روش، پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علت‌های احتمالی وقوع یک حادثه می‌پردازد. تحقیقات علی گذشته یک موضوع را هم بررسی می‌کند و سعی می‌نماید از معلول به علت احتمالی پی ببرد و از این جهت به تحقیقات تاریخی شباهت دارد چون پژوهشگر باید اسناد و مدارک را جمع‌آوری و واقعه را بازسازی نماید تا بتواند علت یا علل را تشخیص دهد (Hatami & Rezaee, 2010: 131-137).

در این روش کشف علل یا عوامل بروز یک رویداد یا حادثه یا پدیده مورد نظر است. بنابراین پس از آنکه حادثه‌ای روی داد، تحقیق درباره آن شروع می‌شود. در اینجا پژوهشگر در متغیرها دخالت و تصرفی نداشته، در آن حضور ندارد و آنها را نمی‌شناسد بلکه تحقیق علی را انجام می‌دهد تا متغیرها و عواملی را که باعث بروز واقعه شده است شناسایی کند. تحقیقات علی معمولاً از نوع کاربردی هستند و نتایج آنها برای جلوگیری از تکرار حوادث و وقایع نامطلوب یا توسعه وقایع و حوادث مطلوب مورد استفاده قرار می‌گیرد. سه دسته متغیر یا عامل در بروز یک واقعه مؤثر است و لازم است شناسایی شوند: ۱- متغیرهای اصلی که نقش مؤثر و مثبتی در بروز یک واقعه دارند، ۲- متغیرهایی که نقشی بازدارنده و منفی در بروز یک واقعه دارند و ۳- متغیرهای زمینه‌ساز که هموارکننده راه برای اثرگذاری متغیرهای اصلی بوده و از خاصیت تسهیل‌کنندگی برخوردار می‌باشند. مزیت روش تحقیق مذکور این است زمانی که امکان استفاده از روش آزمایشی وجود ندارد، نیاز پژوهشگر را بر آورده می‌کند. اما عیب این روش این است که رابطه بین دو عامل ممکن است لزوماً رابطه علت و معلولی نباشد و اینکه هیچ عامل واحدی علت نباشد. چگونگی انجام تحقیقات علی بدین صورت است که در ابتدا پژوهشگر باید حادثه و پدیده را توصیف و تعریف نماید. سپس متغیرهای احتمالی را در قالب سه گروه یاد شده دسته‌بندی کند و پرسش‌های پژوهش را تدوین کند. برای گردآوری اطلاعات، پژوهشگر باید محل بروز حادثه و عوارض و آثار آن را بدقت مشاهده، بازرسی و بازبینی کند.

پژوهشگر برای بررسی متغیرها و تدوین فرضیه و اطلاع از کمیت و کیفیت موارد مشابه و نیز تهیه اطلاعات درباره قضایای کلی مربوط به آنها ناچار به استفاده از روش کتابخانه‌ای هست و بیشترین اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای جمع‌آوری می‌شود (Sarmad & Hejazi, 1996: 157-167).

در این پژوهش، روش تحقیق بدین صورت بکار می‌رود که عوامل تاریخی و پیشینه حسن همجواری ایران و عمان قبل و بعد از انقلاب اسلامی بررسی می‌شود. سپس عوامل و دلایلی مانند صادرات گاز ج.ا.ایران به عمان و کسب درآمد، تامین نیازهای انرژی عمان، گسترش خط لوله از عمان به هند و چین و پتانسیل تبدیل شدن ج.ا.ایران به یک هاب گازی در منطقه از مهمترین عوامل بکارگیری سیاست خارجی همگرا و فعال انرژی ج.ا.ایران در خلیج فارس است که در شکل‌دهی سیاست خارجی اخیر ج.ا.ایران نسبت به منطقه خلیج فارس بویژه عمان موثر بوده است، بررسی می‌شود. با توجه به ماهیت موضوع مورد پژوهش، گردآوری اطلاعات بر اساس روش کتابخانه‌ای (کتاب، مجله‌ها، مقاله‌ها، گزارش‌ها) و با استفاده از پژوهش‌های انجام شده توسط دیگران انجام شده است.

## تحلیل‌ها

الف- نقش گاز و انرژی در سیاست خارجی همگرای ایران در خلیج فارس و گسترش ارتباطات

منطقه خلیج فارس از مهمترین مناطق جهان با منابع سرشار نفت و گاز است. همچنین این منطقه به واسطه جایگاه ویژه راهبردی و ژئوپلیتیک انرژی، نه تنها مورد توجه بازیگران منطقه‌ای بلکه بین‌المللی قرار گرفته است و خلیج فارس به دلیل موقعیت ویژه، یک شاهراه حیاتی بین سه قاره بشمار می‌رود. ارتباط خلیج فارس با مناطق دریایی جهان سبب شده است تصمیمات استراتژیک سیاست خارجی با توجه به در نظر گرفتن این منطقه برنامه‌ریزی شود. از روزگاران باستان، خلیج فارس یک شاهراه بازرگانی بوده است که



یک بزرگراه تجاری بین آسیا، اروپا، آمریکا و آفریقا بوده است. منطقه خلیج فارس بعد از جمهوری‌های سابق شوروی، دومین منطقه بزرگ دارای ذخایر گازی است و ج.ا.ایران با ۳۲ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۹ دومین کشور در جهان بعد از روسیه با ۳۸ میلیارد متر مکعب ذخایر گاز است (British Petroleum (BP) Statistical Review, 2020: 32).

ایران بعنوان کشوری که در سال‌های اخیر تحت تاثیر تحریم‌ها بوده است، بیش از گذشته نیازمند صادرات و فروش نفت و گاز می‌باشد. در سال‌های اخیر، ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و افزایش تقاضای کشورهای دیگر به انرژی، مسئله صادرات انرژی را محور سیاست خارجی و دیپلماسی خود قرار داده است.<sup>۱</sup> ایران با داشتن جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و با دارا بودن ذخایر فراوان نفت و گاز در جهان و حضور مستمر در زمینه انرژی و موقعیت جغرافیایی در حوزه خلیج فارس و همجواری با آسیای مرکزی و جنوبی می‌تواند عامل پیوند و همگرایی میان منابع انرژی ایران از جنوب، شرق و شمال شرق بوسيله خط لوله به مصرف کنندگان آسیایی باشد. ایران به واسطه داشتن ذخایر عظیم گاز جهان و همسایگی با دو منطقه مصرف کنندگان عظیم گازی یعنی هند و چین توانسته جایگاهی مهم در زمینه منابع هیدروکربوری بدست آورد. خلیج فارس از موقعیتی بی‌نظیر برخوردار است که با دارا بودن منابع عظیم گازی اهمیت دو چندانی پیدا کرده است (Masudipoor, Karimi, & Akbarzadeh, 2018: 52-59).

در دولت نهم، یکی از مهمترین مسائلی که در رابطه با سیاست خارجی همگرا دنبال شد، بحث نگاه به شرق و صادرات گاز به کشورهای آسیایی است. وابستگی ج.ا.ایران به صادرات انرژی و گاز سبب شده است تا سیاست‌های انرژی جایگاه مهمی در سیاست خارجی ج.ا.ایران پیدا کند. رشد اقتصادی با میزان رشد صادرات انرژی بستگی دارد و ایران برای توسعه و رشد اقتصادی، صادرات و درآمدهای گازی را مورد توجه قرار داده است. بنابراین به صفر رساندن یا حداقل کاهش دادن اختلافات با همسایگان و همکاری در

۱. مسائل مربوط به انرژی می‌تواند میان رشته‌ای هم تحلیل شود و بعنوان نمونه ببینید: - (Shayan, 2013b: 669)

زمینه صادرات انرژی در سیاست خارجی ج.ا.ایران نمود بیشتری یافته است (Dehghani, Firoozabadi, Shokri, & Esmaeeli Ardakani, 2017: 80-90). با توجه به افزایش اهمیت و نقش انرژی در ارتباطات بین کشورهای مصرف کننده و تولید کننده، دیپلماسی در سطوح مختلف توسعه پیدا کرده و دیپلماسی رسمی که کارکرد اجرایی سیاست خارجی کشورها است گویای تدابیر دولت‌ها برای نیل به منافع خود در رابطه با دیگر دولت‌ها بکار گرفته می‌شد. ج.ا.ایران با توجه به جایگاه منحصر به فرد خود در زمینه منابع عظیم گاز، دارای دومین منابع عظیم گازی بعد از روسیه می‌باشد (Ajamin Fahadan & Haghghi, 2012: 2-4).

#### ب- نقش انرژی و گاز در سیاست خارجی همگرایی ج.ا.ایران نسبت به کشور عمان و گسترش ارتباطات

ج.ا.ایران با توجه به توان اقتصادی و انرژی در منطقه خلیج فارس می‌تواند یکی از منابع مهم کسب درآمد باشد و کنترل ترانزیت گازی منطقه را در دست بگیرد و قطب ترانزیتی خلیج فارس شود (Rezaee, Taklif, & Ghasemi, 2018: 73-79). یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس که می‌تواند نقش موثری در تشکیل هاب گازی ایفا کند، کشور عمان است. عمان از زمان‌های گذشته با ج.ا.ایران در ارتباط بوده است اما تشکیل عمان بعنوان دولت - ملت در قرن بیستم و پادشاهی سلطان قابوس باعث دوستی و همکاری هر چه بیشتر دو کشور شده است. سیاست خارجی عمان در راستای چهار هدف گام برداشته است که شامل یکپارچگی، تحول، گشایش در روابط و تکامل و مدرن شدن است (Binhuwaidin, 2019: 10-11). مواضع عمان در مورد ایران مسالمت آمیز بوده است و روابط اقتصادی و تجاری بین دو کشور هم در زمینه بازرگانی، تاسیس کریدور بین‌المللی ترانزیت کالا و مسافر، کمیته‌های تخصصی در حوزه‌های نفت و گاز، همکاری‌های علمی، فرهنگی، توریستی و امنیتی نشان از اراده مسئولان دو کشور برای گسترش روابط است. امروزه هم طرح‌هایی مانند طرح صادرات گاز طبیعی ج.ا.ایران به عمان در دست بررسی است (Karami, Doostmohammadi, 2015: 130-141).

یکی از مقاصد صادرات گاز ج.ا.ایران، عمان است که در دهه ۸۰ شمسی، نخستین تفاهم‌نامه آن بین وزیران نفت ایران و عمان امضا شد که قراردادی ۲۵ ساله برای خرید حدود ۶۰ میلیارد متر مکعب گاز از ایران از طریق خط لوله در سال ۲۰۱۳ میلادی امضا شد. در این قرارداد توافق شد که خط لوله انتقال گاز به طول ۳۵۰ کیلومتر بین دو کشور احداث شود بطوریکه ۲۰۰ کیلومتر آن از زیر دریا و ۱۵۰ کیلومتر آن در خشکی ایجاد شود (Jalilvand, 2013: 4-13).

صادرات گاز ج.ا.ایران به عمان با چالش‌ها و مزایایی روبرو است. در مورد چالش‌ها؛ انتقال گاز از طریق خط لوله برای مسافت‌های دور و با قطر بزرگ نیازمند سرمایه‌گذاری‌های سنگین است. سرمایه‌گذاری در این زمینه نیازمند اطمینان از بازار مصرف گاز و دسترسی به حجم زیاد ذخایر گازی است. عدم اطمینان در این زمینه‌ها موجب می‌شود که سرمایه‌گذاری در ایجاد خط لوله، مقرون به صرفه اقتصادی نباشد. هزینه احداث خط لوله برای مسافت‌های طولانی نیازمند بررسی قطر لوله انتقال، ویژگی‌های تاسیسات لازم برای تامین فشار لازم جهت انتقال، بُعد مسافت و ویژگی‌های مسافت است. متغیرهای دیگری مثل شرایط آب و هوایی، رعایت مسائل محیط زیست و بوروکراسی اداری مربوط به کسب مجوز برای ایجاد خط لوله از کشوری به کشور دیگر، از دیگر معایب احداث خط لوله است. علاوه بر هزینه‌های احداث، هزینه‌های عملیاتی و ایستگاه‌های تقویت فشار هم قابل اهمیت است. هزینه‌های مرتبط با این ایستگاه‌ها شامل هزینه سوخت کمپرسورها، هزینه نیروی انسانی و شرایط جوی است. هزینه‌های سرمایه‌گذاری برای احداث خط لوله برای مسافت‌های طولانی و با قطر ۴۰ تا ۵۰ اینچ که بتواند انتقال ۲۰ تا ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در سال را ضمانت کند، حدود ۲ تا ۳ میلیارد دلار به ازای هر ۱۰۰۰ کیلومتر است (Takilif, 2011: 54-57).

اختلاف عمان و امارات بر سر تعیین مسیر احداث خط لوله گاز نیز یکی از مهمترین چالش‌های ج.ا.ایران برای صادرات گاز به عمان می‌باشد. امارات استدلال می‌کند که بخشی از خط لوله از آب‌های حاکمیتی امارات می‌گذرد و خواستار تغییر مسیر ساخت

خط لوله انتقال گاز شده است. انتقال مسیر ساخت خط لوله و انتقال به آب‌های عمیق نیز هزینه‌ها را به شدت افزایش می‌دهد (Miller & Verhoeven, 2020: 12-19).

یکی دیگر از چالش‌های ج.ا.ایران، تحریم‌ها است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا و کشورهای غربی که نتوانسته بودند همانند سابق بر انرژی و منابع ایران تسلط داشته باشند به مخالفت با ایران پرداخته و به هر طریقی سعی در نرسیدن ایران به اهداف مورد نظرش را داشته‌اند. چالش تحریم‌های آمریکا علیه ایران و محاصره ژئوپلیتیک ایران توسط آمریکا بعنوان مانع بزرگی در صادرات نفت و گاز ایران از جمله به عمان می‌باشد. آمریکا شورای امنیت سازمان ملل تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کردند و قطعنامه‌هایی مانند ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۹۲۴ را بر ایران تحمیل کردند (United Nations Council, 2010: 1-2). چالش تحریم سرمایه‌گذاری کلان در صنایع نفت و گاز ایران که از طرف آمریکا در چهار دهه گذشته وضع شده نیز اثر گذار بوده است. بعنوان نمونه، طبق قانون داماتو ۱۹۵۵ شرکت‌هایی که سالانه بیش از ۲۰ میلیون دلار در بخش نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کنند مورد تحریم قرار می‌گیرند و تعداد زیادی سرمایه‌گذار خارجی از ایران خارج شدند (The United States (US) Government, 1995: 1-5). شرکت رویال داچ شل هم به علت شرایط تحریم‌ها، از فازهای پارس جنوبی و ساخت یک ترمینال گاز طبیعی سرد شده کنار کشید (Hatefi, Pishgahifard & Ezati, 2014: 130-137).

صادرات گاز ایران به عمان مزایایی هم دارد. از مهمترین مزایای احداث خط لوله گازی این است که طبق تفاهم‌نامه قرار بود ایران ۳۰ میلیون متر مکعب صادرات به عمان داشته باشد و این رقم را تا سال ۲۰۱۲ میلادی به ۷۰ میلیون متر مکعب افزایش دهد و در طول این قرارداد بلندمدت، ۲۰ تا ۳۰ میلیون دلار درآمد گازی نصیب ایران شود (Oskoui, Behbodi & Asgharpoor, 2018: 70-80). بیژن زنگنه، وزیر نفت در دولت یازدهم و دوازدهم، اعلام کرد که حجم قرارداد ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال بوده و قیمت در آن به وضوح مشخص نشده و مذاکرات برای اجرای مسیر خط لوله گاز در بستر دریا بررسی نهایی نشده است. خط لوله مورد نظر از طریق رودان در استان هرمزگان به

کوه مبارک و به استان سهار در عمان وارد و سپس به شبکه گاز داخلی عمان متصل می‌شود تا شرکت مشترک ایران و عمان آن را خرده فروشی کنند ( Zanganeh, 2020: 25).

صادرات گاز ایران به عمان مزایای دیگری هم دارد بطوری که ایران سهم مهمی در بازار جهانی صادرات گاز بدست می‌آورد و صادرات انرژی نیز تنها منحصر به نفت نبوده و در حوزه گاز هم پیشرفت می‌کند. افزایش تجارت و رشد بازارهای انرژی، صادرات گاز را به همراه داشته است. گاز با ایمنی بالاتر از اهمیت بیشتری برخوردار است. اما پراکندگی جغرافیایی بالا میان نقاط تولید و مصرف گاز طبیعی منجر به رشد بیشتر صادرات گاز طبیعی در جهان شده است، بطوری که دو منطقه روسیه و خاورمیانه از جمله ایران دارای ذخایر گازی با مجموع ۷۰ درصد است و سهم ایران ۱۶ درصد است. این ارقام نشان دهنده اهمیت استراتژیک ج.ا.ایران از نظر منابع گازی در جهان است. علاوه بر ذخایر گازی، ایران با ۹۸۰ کیلومتر مرز استراتژیک و قرار داشتن در مسیر انتقال گاز، یکی از کوتاه‌ترین مسیرها را در انتقال گاز دارا می‌باشد (Javan, Ram & Rashidi, 2012: 77-80). این موارد مثبت گام مهمی در جهت پیشرفت موقعیت منطقه‌ای و همگرایی و گسترش ارتباطات با عمان و کشورهای عربی خلیج فارس می‌باشد و می‌تواند منجر به گسترش همکاری‌های سیاسی بیشتری هم شود. بر اساس آمار بریتیش پترولیوم<sup>۱</sup> میزان مصرف گاز طبیعی در عمان در سال ۲۰۰۹ تقریباً ۱۳/۷ میلیارد متر مکعب بوده که در سال ۲۰۱۹ به ۲۵ میلیارد متر مکعب افزایش یافته است (BP Statistical Review, 2020: 37).

از دیگر عوامل موثر در افزایش تقاضای عمان در واردات گاز طبیعی، تامین گاز واحدهای مایع‌سازی گاز طبیعی مایع شده است. عمان با تولید مقدار کمی گاز، برق داخلی خود را تامین می‌کند اما گاز کافی برای تامین واحدهای گاز طبیعی مایع شده با ظرفیت ۱۱/۵۰ میلیون تن مایع‌سازی را ندارد و قسمت اعظم گاز وارداتی برای فعال نگه داشتن واحدهای گاز طبیعی مایع شده است که حدود ۹-۱۰ میلیارد متر مکعب لازم است

---

1. British Petroleum

وارد شود (Alsalmi & Rahman Khan, 2019: 492-500). ایران علاوه بر تامین انرژی عمان، می‌تواند مازاد گاز مورد نیاز عمان را به سهار در شمال عمان، جایی که خط لوله فعلی به صلاله نزدیک مرز یمن می‌رسد، برساند و از همه مهمتر اینکه گاز از طریق عمان به کشورهای پاکستان، هند و چین هم می‌تواند برسد (Ahmad, 2014: 265-266).

محمد بن حامد الومحمی، وزیر نفت و گاز عمان، به نقش شرکت‌های چینی، کره‌ای و هندی برای شرکت در مناقصه مهندسی خط لوله ایران و عمان می‌پردازد که چگونگی تامین اعتبار این خط لوله حائز اهمیت است. برای عمان نیز ایران گزینه مناسبی است هر چند در آینده میدان گازی جبل علی امارات گزینه دیگری است، اگرچه جبل علی میدان بسیار بزرگی است اما روند توسعه دشوار است و حداقل در ده سال آینده می‌تواند بهره‌برداری شود ضمن اینکه تکنولوژی نوینی را نیاز دارد (Meyer-Reumann, 2019: 70-72).

ایران علاوه بر اینکه می‌تواند به عمان و سایر کشورهای آسیایی صادرات گاز داشته باشد، از نظر موقعیت جغرافیایی در مسیر صادرات یا ترانزیت گاز قرار دارد و امکان ایجاد هاب گازی دارد. با توجه به رشد فزاینده تقاضای گاز توسط مصرف کنندگان از جمله عمان و ذخایر غنی ایران، وجود بنادر متعدد در خلیج فارس و دسترسی به آب‌های بین‌المللی زمینه مناسبی برای تبدیل شدن ایران به هاب گازی را دارد (Rezaee, Taklif, & Ghasemi, 2018: 30-70).

به منظور دستیابی به اهداف فوق، سیاست خارجی همگرا و فعال ج.ا.ایران در خلیج فارس بجای بازی با حاصل جمع جبری صفر، رویکرد مبتنی بر همکاری با همسایگان، گسترش ارتباطات و تنش زدایی را در پیش گرفته است که نمونه همکاری منطقه‌ای با عمان یکی از آنها می‌باشد. این در حالی است که امروزه ایران همکاری با چین و قرارداد ۲۵ ساله و صادرات انرژی را هم در پیش گرفته و درصدد توسعه خط لوله‌ها به چین و هند هم می‌باشد.

### پ- توسعه خط لوله گازی پیشنهادی ایران- عمان- هند

مصرف گاز در هند و چین هم روند افزایشی پیدا کرده است بطوریکه هند در دهه آینده به علت نیاز در نیروگاه‌های برق و ملاحظات زیست‌محیطی، افزایش قابل توجهی داشته است. در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۳۰، تقاضای واردات گاز هند دو برابر می‌شود (Shrijian & Mirhashemi, 2017: 98-99). در بین کشورهای آسیایی، چین نیز با داشتن بالاترین میزان مصرف و نرخ رشد اقتصادی زیاد، نگرانی‌هایی در مورد تضمین جریان انرژی مورد نیاز اقتصاد خود دارد که شکاف رو به گسترش میان تولید داخلی و مصرف نفت و گاز است که چنین وضعیتی چین را به وارد کننده بزرگ انرژی تبدیل می‌کند. سهم گاز طبیعی از ۳/۴ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۷/۶ درصد در سال ۲۰۱۵ و ۸/۱ در سال ۲۰۲۱ رسید. شدت وابستگی به منابع انرژی وقتی روشن می‌شود که چین به‌رغم رشد بالای اقتصادی به نفت و گاز خلیج فارس و ایران وابسته است (Safavi & Mahdiyan, 2010: 40).

خط لوله گازی زیر دریایی پیشنهادی ایران- عمان و هند، محرک برقراری رابطه نزدیکتر هند و ایران و حتی چین می‌باشد. ایران برای هند شریک مناسبی در خلیج فارس می‌باشد. از طرف دیگر ایران به بازار رو به رشد هند و نیز یک قدرت در آسیا نیازمند است (Salehirad, Ajili & Emamjomehzadeh, 2018: 217). عمان ده سال پیش حدود ۹۰ میلیون دلار برای این خط لوله سرمایه‌گذاری کرد که پیشرفت چندانی نداشت اما امروزه با پیشرفت فناوری، احداث این خط لوله امکان‌پذیر است. مذاکره ایران با ترکمنستان برای احداث خط لوله انتقال گاز به پایانه‌های ایران و انتقال به هند و چین نیز می‌تواند به ظرفیت این خط لوله گازی پیشنهادی بیفزاید. در صورت به نتیجه رسیدن این گفتگوها، ایران می‌تواند به یک هاب گازی تبدیل شود و سیاست خارجی همگرا و فعال ایران بیشتر محقق شود.

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش به این پرسش اصلی پاسخ داده شد که چگونه صادرات گاز ایران به عمان می‌تواند عاملی در گسترش همگرایی در روابط دو کشور باشد؟ در این زمینه چارچوب مفهومی همگرایی و نظریات ارتباطات کارل دویچ بصورت سیاست تنش‌زدایی و گسترش رابطه حسنه ایران با همسایگان به طور اخص عمان در منطقه خلیج فارس و ایجاد حداکثر همکاری‌های اقتصادی در قالب صادرات گاز به عمان و گسترش خط لوله‌های پیشنهادی از عمان به پاکستان، هند و چین برای تقویت جایگاه ایران بعنوان صادرکننده گاز بررسی شد.

نتایج پژوهش در حوزه سیاست خارجی ج.ا.ایران در قالب همگرایی و نظریه ارتباطات کارل دویچ در خلیج فارس نشان می‌دهد که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، ج.ا.ایران به عنوان یک بازیگر چالشی از نظر آمریکا و متحدانش ملاحظه می‌شد که منافع آنها تحت تاثیر قرار می‌گرفت. اما در دهه‌های اخیر، موفقیتی در زمینه شروع همکاری و بازیابی جایگاه و نقش ایران در خلیج فارس و بهره‌بردن از پتانسیل‌های موجود فراهم شد. صدور گاز به عمان، شروع همکاری با کشورهای حوزه خلیج فارس را فراهم کرد. جایگاه ویژه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران همراه با منابع غنی انرژی گازی، مسئله صادرات انرژی را محور سیاست خارجی همگرای خود قرار داده است و می‌تواند عامل پیوند و همگرایی میان منابع انرژی ایران از خلیج فارس به شرق آسیا باشد. از طرفی رشد اقتصادی ایران هم با صادرات انرژی عجین شده است و به حداقل رساندن اختلافات با همسایگان و همکاری در زمینه صادرات انرژی در سیاست خارجی همگرای ایران نمود ویژه‌ای پیدا کرده است.

نتایج این پژوهش در زمینه نظریه ارتباطات کارل دویچ و حسن رابطه با همسایگان بصورت همکاری اقتصادی و صادرات گاز ایران به عمان نشان می‌دهد که ایران دارای دومین ذخایر گازی عمده در جهان است و صادرات گاز به عمان می‌تواند نقش موثری در ایجاد هاب گازی در آینده داشته باشد. ج.ا.ایران در زمینه سیاسی و اجتماعی



همکاری‌هایی را قبل و بعد از پیروزی انقلاب با عمان داشته است. اما از دهه هشتاد شمسی، نخستین تفاهمنامه صادرات گاز هم به عمان از طریق قرارداد بلندمدت امضا شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ایران با چالش‌ها و مزایایی در زمینه صادرات گاز به عمان و گسترش ارتباطات و همگرایی روبرو است: سرمایه‌گذاری‌های سنگین برای احداث خط لوله گازی، اطمینان از بازار مصرف، هزینه‌های عملیاتی و ایجاد ایستگاه‌های تقویت فشار و کارشکنی‌های امارات برای تعیین مسیر احداث لوله گاز از چالش‌های ایران در این بازار است. اما از طرفی صادرات گاز به عمان و در آینده به شرق آسیا می‌تواند درآمدهای مالی قابل توجهی را نصیب ایران کند و حتی موجب همکاری‌های بیشتر با بقیه کشورهای حوزه خلیج فارس هم شود.

نتایج کلی پژوهش نشان می‌دهد در حال حاضر ایران در صدد دستیابی به بازار گاز عمان و احداث خط لوله است تا بتواند در آینده صادراتی را به چین و هند هم داشته باشد. در حال حاضر همگرایی در زمینه صادرات گاز به خارج از منطقه خلیج فارس بطور کامل ایجاد نشده و در گام‌های اولیه می‌باشد. اما با توسعه این هدف، ایران می‌تواند هر چه بیشتر زمینه‌های تبدیل شدن به یک هاب گازی در منطقه را فراهم نماید.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادات عملی برای سیاستمداران و سیاست خارجی ایران این است که عمان شریک قابل اعتماد برای هند است و روابط گسترده‌ای هم با ایران دارد و این می‌تواند تاثیر مثبتی در احداث خط لوله داشته باشد که تولید کنندگان و مصرف کنندگان گاز را به یکدیگر نزدیک می‌کند و در بلندمدت سبب رقابت گازی بیشتر و ایجاد قطب گازی می‌شود. پیشنهادات علمی برای محققان در این زمینه هم این است که در این پژوهش، رابطه گازی ایران و عمان بررسی شد اما توسعه روابط برای صادرات گاز به بقیه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و همگرایی بیشتر هم می‌تواند در تحقیقات آتی بررسی شود.

#### ORCID

Fateme Shayan

Mohammad Ali Basiri



<https://orcid.org/0000-0001-9219-871X>



<https://orcid.org/0000-0001-5186-0682>

## منابع

- تکلیف، عاطفه، (۱۳۹۱)، «امکان‌پذیری همکاری یا رقابت بین اعضای مجمع کشورهای صادرکننده گاز در صادرات گاز طبیعی از طریق خط لوله»، *اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط زیست و انرژی)*، (۲)۵.
- جوان، افشین، رام، منصوره و رشیدی، ویدا، (۱۳۹۱)، «برآورد منافع حاصل از ترانزیت گاز طبیعی از طریق خط لوله در مقایسه با واردات - صادرات گاز کشور ایران»، *مطالعات اقتصاد انرژی*، (۳)۹.
- حاتمی، حمیدرضا و رضایی، علی محمد، (۱۳۸۹)، «روش‌شناسی تحقیقات علی-مقایسه‌ای»، *دو فصلنامه توسعه انسانی پلیس*، (۳۱)۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، کمالی، محمدرضا و ربیعی، حسین، (۱۴۰۰)، «عوامل ژئوپلیتیک تاثیرگذار در همگرایی امنیت دسته جمعی منطقه خلیج فارس»، *مطالعات دفاع استراتژیک*، ۸۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، شکری، مرتضی و اسماعیلی اردکانی، علی، (۱۳۹۷)، «سیاست خارجی ترکیه در اوراسیای مرکزی رویکرد دیپلماسی انرژی در ابعاد منطقه‌ای»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، (۱۱)۱.
- رضایی، طاهره، تکلیف، عاطفه و قاسمی، عبدالرسول، (۱۳۹۷)، «امکان سنجی تشکیل هاب گازی در ایران با استفاده از رویکرد SWOT»، *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، (۲۹)۸.
- زنگنه، بیژن، (۱۳۹۹)، «عدم نفع ۶۰ میلیارد دلاری صادرات گاز»، خبرگزاری مهر، *میلیارد-دلاری-صادرات-گاز-۶۰-عد. قابل دسترسی در* <https://www.mehrnews.com/news/5071935/>
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه، (۱۳۸۴)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: آگاه.
- سریع‌القلم، محمود، (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: قابلیت و امکان تغییر»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، (۱)۱.
- سیف‌زاده، سید حسین، (۱۳۸۹)، «همگرایی منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران: با نگاهی به آسیای جنوب غربی»، *روابط خارجی*، (۵)۲.
- شیرجیان، محمد و میرهاشمی، سیدرضا، (۱۳۹۶)، «ارزیابی ریسک‌های اقتصادی-امنیتی

- صادرات گاز طبیعی از طریق خط لوله به کشورهای هند، پاکستان و ترکیه»، فصلنامه اقتصاد دفاع، ۲(۵).
- صالحی راد، مهرداد، آجیلی، هادی و امام جمعه زاده، سید جواد، (۱۳۹۸)، «ضرورت شکل‌گیری و تدوین دیپلماسی خط لوله انرژی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰(۳۹).
- صفوی، سید یحیی و مهدیان، حسین، (۱۳۸۹)، «ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی شرق (چین و هند)»، فصلنامه جغرافیای انسانی، ۲(۲).
- طارمی، کامران، (۱۳۸۵)، «دیدگاه‌ها و سیاست‌های ایران در مورد امنیت در خلیج فارس: خاستگاه‌ها، تحولات و ناکامی‌ها»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۷۱(۳).
- عجمین فهادان، حسین و حقیقی، محمد، (۱۳۹۱)، «ارزیابی منابع گاز طبیعی ایران و مقایسه روش‌های بهره‌برداری از آن در صنایع نفت»، اولین کنفرانس بین‌المللی نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاهی، تهران.
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۴)، روابط بین‌الملل: تئوری‌ها و رویکردها، تهران: سمت.
- کرمی، امیرسعید و دوست محمدی، امیر، (۱۳۹۵)، «تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و عمان در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران»، ژئوپلیتیک، ۱۲(۳).
- کریمی فرد، حسین، (۱۳۹۸)، «سیاست تنش‌زدایی روحانی در قبال آمریکا؛ اهداف و موانع»، فصلنامه سیاست، ۴۹(۱).
- کولایی، الهه و رمضانی، احمد، (۱۴۰۰)، «مقایسه منطقه‌گرایی در آسه آن و اتحادیه عرب»، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۳(۱).
- مختاری، مجید و آدمی، علی، (۱۳۹۶)، «الزامات اقتصادی توسعه روابط ایران و عمان»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۲۳(۱).
- مدیرشانه چی، محسن، (۱۳۹۵)، «بازیابی جایگاه تاریخی ایران در خلیج فارس در تعامل با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۳(۱).
- مسعودی‌پور، حسین، کریمی، حسین، یوسفی، بهرام و اکبرزاده، فریدون، (۱۳۹۸)، ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی ایران، تهران: انتشارات قائم.
- واعظی، محمود، جنتی، علی و کرباسیان، مسعود، (۱۳۹۳)، راهبرد سیاست خارجی برای ارتقای

- جایگاه اقتصادی ج.ا.ا. در شرایط جدید بین‌المللی، تهران: واحد انتشارات اتاق بازرگانی.
- هاتفی، مریم، پیشگاهی فرد، زهرا و عزتی، عزت‌اله، (۱۳۹۵)، «قانونی‌سازی تحریم‌های جامع ایران با محوریت طرح داماتو، کینگ و ایپک»، *جغرافیا*، ۱۴(۴۸).

## References

- Acharya, A, & Johnston, A, (2007), *Crafting Cooperation: Regional and International Institutions in Comparative Perspective*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Afrasiabi, K. L, (1994), *After Khomeini: New Directions in Iran's Foreign Policy*, Boulder: Westview Press.
- Ahmad, B. M, (2014), "America and Iran-Pakistan-India (IPI), Gas Pipeline", *African Journal of Political Science and International Relations*, 8, 260-265. doi.org/10.5897/AJPSIR2014.0696.
- Ajamin Fahadan, H. & Haghighi, M, (2012, June), "Evaluation of Iran's Natural Gas Resources and Comparison of its Exploitation Methods in Oil Industries", The First International Oil, Gas, Petrochemical and Power Plant Conference, Tehran. [In Persian]
- Albasoos, H, Mohammad Ali, Z, Al Hasni, A. S, & Al Shizawi, S, (2019), "The Nature of Oman's Relations with Iran", *Journal of Arts and Social Sciences*, 10(1), 5-14. doi: 10.24200/jass.vol10iss1pp5-14.
- Alsalmi, H, & Rahman Khan, F, (2019), "A Comparative Case Study on Accountability of Corporate Social Responsibility Practices in Oman LNG", *Humanities and Social Sciences Review*, 7(5), 490-502. doi:10.18510/hssr.2019.7556.
- Baker Institute Study, (1998), "Iran and Its Strategic Role in the Persian Gulf, Policy Options for the United States," No. 7, Retrieved from: [https://scholarship.rice.edu/bitstream/handle/1911/91594/study\\_7.pdf?sequence=1&isAllowed=y](https://scholarship.rice.edu/bitstream/handle/1911/91594/study_7.pdf?sequence=1&isAllowed=y).
- Binhuwaidin, M, (2019), "Oman's Response to a Rising Iran: A Case of Strategic Hedging", *Journal of Arabian Studies*, 9(1), 1-12. doi. org/10.1080/21534764.2019.1625191.
- Dehghani Firoozabadi, S. J, Shokri, M, & Esmaeeli Ardakani, A, (2017), "Turkey's Foreign Policy Toward Central Eurasia; Energy Diplomacy Approach Regional Sphere (2002-2014)", *Central Eurasian Studies*, 11(1), 81-100. doi:10.22059/JCEP.2018.210941.449656. [In Persian]
- Deutsch, K. W, Burrell, S. A, Kann, Robert A, Lee, M. J, Lichterman, M, Lindgren, R. E, Loewenheim, F. L, & Van Wagenen, R. W, (1957), *Political Community and the North Atlantic Area: International Organization in the Lights of Historical Experience*, Princeton, New Jersey: Princeton University Press.

- Ghavam, S. A, (2005), *International Relations: Theories and Approaches*, Tehran: Samt. [In Persian]
- Gilpin, R, (2016), *The Political Economy of International Relations*, Princeton: Princeton University Press.
- Guttieri, K, (2022), "Accelerate Change or Loss the Information War", *Journal of Strategic Airpower & Spacepower* 1(1), 91-105 .[https://www.airuniversity.af.edu/Portals/10/AetherJournal/Journals/Volume-1\\_Issue-1/12\\_Guttieri.pdf](https://www.airuniversity.af.edu/Portals/10/AetherJournal/Journals/Volume-1_Issue-1/12_Guttieri.pdf).
- Hafeznia, M. R, Kamali, M. R, Rabiee, H, & Fatemi Nasab, A, (2021), "Geopolitical Factors Affecting the Convergence of Collective Security in the Persian Gulf Region", *Strategic Defence Studies*, 86, 5-26. doi.org/20.1001.1.20084897.1400.19.86.1.8. [In Persian]
- Hassan, G. S, Al Rabaani, A. H, & Nejjar, M, (2022), "The Tale of the Two Sultanates, Oman and Brunei: Foreign Policy and Bilateral Relations", *Asian Affairs: An American Review*, 49(3), 116-139. doi.org/10.1080/00927678.2022.2089523.
- Hatami, H. R, & Rezaee, A. M, (2010), "Causal-Comparative Research Methodology," *Bi-Quarterly Journals of Police Human Development*, 7(31), 131-148. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=12325>. [In Persian]
- Hatefi, M, Pishgahifard, Z, & Ezati, E, (2014), "Legalization of Iran's Comprehensive Sanctions Based on Damato, King and IPEC Plan", *Geography*, 14, 129-141. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=269358>. [In Persian]
- Hinote, C. S, (2022), "After Defeat: A Time to Rebuild", *Journal of Strategic Airpower & Spacepower* 1(1), 22-34. <https://balloonstodrones.com/tag/air-power-theory/>.
- Jalilvand, D. R, (2013), "Iran's Gas Exports: Can Past Failures Become Future Success?", The Oxford Institute for Energy Studies, Retrieved from: <https://www.oxfordenergy.org/wpcms/wp-content/uploads/2013/06/NG-78.pdf>.
- Javan, A, Ram, M, & Rashidi, V, (2012), "Estimating the Benefits of Natural Gas Transit Through the Pipeline in Comparison with Iran's Gas Import-Export", *Studies on Economics of Energy*, 9(3), 75-99. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=185669>. [In Persian]
- Karami, A. S, Doostmohammadi, A, (2015), "Geopolitical Analysis of Relations Between Iran and Oman Before and After the Iranian Islamic Revolution", *Geopolitics*, 12(3), 151-122. doi: 20.1001.1.17354331.1395.12.43.5.5. [In Persian]
- Karimifard, H, (2018), "Rouhani's De-Escalation Policy Towards America; Goals and Obstacles", *Politics Quarterly*, 49(1), 205-224. doi: 10.22059/JPQ.2019.230796.1007038 .[In Persian]

- Katzman, K, (2021), *Iran's Foreign and Defense Policies*, Congressional Research Service, Retrieved from: [https:// fas. org/ sgp/ crs/ mideast/ R44017.pdf](https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44017.pdf).
- Koolae E, & Ramezani, A, (2009), "Comparative Analyses of Regional Integration in ASEAN and Arab Unity", *Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 3(1), 65-90. <http://noo.rs/hflBx>. [In Persian]
- Masudipoor, H, Karimi, H, & Akbarzadeh, F, (2018), *Energy Geopolitics and Iran's Foreign Policy*, Tehran: Ghaem Press. [In Persian]
- McLaughlin, P, (2002), "Functional Explanation", In Mayntz, R, (Ed.), *Akteure –Mechanismen –Modelle Zur Theoriefähigkeit Makro-Sozialer Analysen*, (pp. 196-212), Frankfurt and New York: Campus Verlag.
- Meyer-Reumann, R, (2019), "The Jebel Ali Free Zone in the Emirate of Dubai: A Commercial Alternative After the [Persian] Gulf Crisis", *Arab Law Quarterly*, 6(1), 68-78. doi.org/10.2307/3381892.
- Miller, R, & Verhoeven, R, (2020), "Overcoming Smallness: Qatar, the United Arab Emirates and Strategic Realignment in the [Persian] Gulf", *International Politics*, 57, 1-20. doi.org/10.1057/s41311-019-00180-0.
- Modirshanechi, M, (2015), "Restoring Iran's Historical Position in the Persian Gulf in Interaction with Regional and Global Powers", *International Studies Quarterly*, 13(1), 41-57. [https:// www. isjq. ir/ &url=http://www.isjq.ir/article\\_91283.html?lang=fa](https://www.isjq.ir/&url=http://www.isjq.ir/article_91283.html?lang=fa). [In Persian]
- Mokhtari, M, & Adami, A, (2014), "Economic Requirements for the Development of Relations between Iran and Oman", *International Relations Research Quarterly*, 23(1), 207-232. [http://www.iisajournals.ir/article\\_53580.html](http://www.iisajournals.ir/article_53580.html). [In Persian]
- Rezaee, T, Taklif, A, & Ghasemi, A, (2018), "Feasibility of Forming a Gas Hub in Iran Using the Approach", *Iranian Energy Economy Research Journal*, 8(29), 69-102. doi: 10.22054/jiee.2019.9917. [In Persian]
- Rogers, H, (2017), "Qatar LNG: New Trading Patterns But No Cause for Alarm," The Oxford Institute for Energy Studies", Retrieved from: <https://www.oxfordenergy.org/wpcms/wp-content//2017/06/Qatar-LNG-New-trading-patterns-but-no-cause-for-alarm.pdf>.
- Safavi, S. Y, & Mahdian, H, (2010), "Iran's Energy Geopolitics and Eastern Energy Security (China and India)", *Human Geography Quarterly*, 2(2), 31-46. doi: 20.1001.1.17354331.1392.9.29.2.3. [in Persian]
- Salehirad, M, Ajili, H, & Emamjomehzadeh, S. J, (2018), "The Necessity of Forming and Developing Iran's Energy Pipeline Diplomacy", *Political and International Research Quarterly*, 10(39), 205-39.

- [http://jpir.iaujournals.ir/article\\_666147.html](http://jpir.iaujournals.ir/article_666147.html). [in Persian]
- Sariolghalam, M, (2011), "The Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Ability and Possibility of Change", *International Quarterly of Foreign Relations*, 1(1), 21-40. [http://frqjournal.csr.ir/article\\_123484.html](http://frqjournal.csr.ir/article_123484.html). [In Persian]
  - Sarmad, Z, Bazargan, A, & Hejazi, E, (1996), *Research Methodology in Behavioral Sciences*, Tehran: Agah.
  - Seifzadeh, S. H, (2010), "Regional Integration in the Foreign Policy of Iran: An Overview to Southwest Asia", *Foreign Relations*, 2(1), 11-39. doi: 0.1001.1.20085419.1389.2.1.2.4. [in Persian]
  - Shayan, F, (2013a), "Geopolitical Subjectivity in Iran-GCC Relations: The Three Islands Issue Since 1979", *Geopolitics*, 18(3), 633-661. doi.org/10.1080/14650045.2013.769961.
  - Shayan, F, (2013b), "Interdisciplinarity and the Emerging Shift in the Study of International Relations," *Millennium: Journal of International Studies*, 41(3), 669-678. doi.org/10.1177/0305829813484635.
  - Shayan, F, (2017), *Security in the Persian Gulf Region*, London: Palgrave McMillan.
  - Shayan, F, (2020), "A Critical Perspective on Terrorism: Case Study of Jundallah and Jeish ul-Adl in Iran", *Critical Studies on Terrorism*, 13(3), 441-463. doi.org/10.1080/17539153.2020.1759956.
  - Shrijian, M. & Mirhashemi, S, R, (2017), "Evaluation of Economic-Security Risks of Natural Gas Export Through Pipeline to India, Pakistan and Turkey", *Defense Economy Quarterly*, 2(5), 83-106. doi: 20.1001.1.25382454.1396.2.5.4.7 [In Persian]
  - Soltani, F, & Amiri, R, (2010), "Foreign Policy of Iran After Islamic Revolution", *Journal of Politics and Law*, 3(2), 198-206. doi.org/10.5539/jpl.v3n2p199.
  - Taklif, A, (2011), "The Possibility of Cooperation or Competition Between the Members of the Assembly of Gas Exporting Countries in the Export of Natural Gas Through the Pipeline, Iran's Energy Economy", *Environmental and Energy Economy*, 5(2), 49-79. [https://jiec.atu.ac.ir/article\\_773.html](https://jiec.atu.ac.ir/article_773.html). [In Persian]
  - Taremi, K, (2005), "Iran's Views and Policies on Security in the Persian Gulf: Origins, Developments and Failures", *Journal of the Faculty of Law and Political Sciences*, 71, 91-111, [https://journals.ut.ac.ir/article\\_25140.html](https://journals.ut.ac.ir/article_25140.html). [In Persian]
  - The US Government, (1995), "Iran Oil Sanctions Act of 1995", Retrieved from: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/CRPT-104srpt187/html/CRPT-104srpt187.htm>.
  - United Nations Security Council, (2010), "Security Council Imposes

Additional Sanctions on Iran”, Retrieved from: <https://www.un.org/press/en/2010/sc9948.doc.htm>.

- Vaezi, M, Janati, A, & Karbasiyan, M, (2013), *Foreign Policy Strategy to Improve the Economic Status of Iran in New International Conditions*, Tehran: Chamber of Commerce Publishing Unit. [In Persian]
- Zanganeh, B, (2020, 17 October), “Lack of Benefits of 60 Billion Dollar Gas Export,” Mehr News Agency, Retrieved from: <https://www.mehrnews.com/news/5071935> accessed 25.9.2022. [In Persian]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: شایان، فاطمه، بصیری، محمدعلی، (۱۴۰۲)، «تحلیل جایگاه صادرات گاز ج.ا.ایران به عمان از منظر همگرایی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۲(۴۴)، ۱۶۵-۱۹۶.

doi: 10.22054/QPSS.2022.69076.3080



Quarterly of Political Strategic Studies © 2013 by Allameh Tabataba'i University Press is licensed under CC BY-NC-SA 4.0.